



منتخب آثار : لیلا عباسی

تذہیب آثار : محمد موسیٰ علیارپور

مقدمہ : علی غفاری



شابک	:	978-600-95997-9-0
شماره کتابشناسی ملی	:	۴۰۸۴۲۰۹
عنوان و نام پدیدآور	:	نیایش/لیلا عباسی.
مشخصات نشر	:	سنندج: نشر آمیار، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	:	۶۲ص: مصور (رنگی).
موضوع	:	عباسی، لیلا، ۱۳۵۰ -
موضوع	:	خوشنویسی
رده بندی دیویی	:	۷۴۵/۶۱۹۴
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۴ ۲۵۴۲/ف/ NK۳۶۳۹
سرشناسه	:	عباسی، لیلا، ۱۳۵۰ -
وضاحت فهرست نویسی	:	فبیا



نیایش

ناظر چاپ و تولید	:	رفیق صالحی
منتخب آثار	:	لیلا عباسی
طراحی جلد و صفحه آرایی	:	نغمه مجیدی خواه
حروفچینی	:	انتشارات آمیار
چاپ اول	:	۱۳۹۵
شمارگان	:	۱۰۰۰
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۹۵۹۹۷-۹-۰
چاپخانه	:	واصف

تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر در انحصار انتشارات آمیار می باشد و هرگونه بهره برداری بدون مجوز کتبی از خانم لیلا عباسی ممنوع و پیگرد قانونی دارد.

آدرس: کردستان، سنندج، چهارراه شهداء، پاساژ عزتی
تلفکس: ۰۸۷-۳۳۱۵۳۶۲۵ همراه ۰۹۱۸۳۷۲۱۶۹۱

amyarbooks@gmail.com

بسمه تعالی

هنرچشمه ای است که هیچ ملتی بی آن سیراب نمی گردد و هیچ ملتی از آن بی نیاز نبوده است، آبشخوری است روحهای والا را و زهتگاهی است جان های شیدارا، کشتی ذوق بر موج بی پایانش می رقصد و غواص خرد در اندیشه از ضمیرش می رباید، در گلستان هنر خط شکسته درختی است که از چشمه زلال معرفت مردانی سیراب گشته است که اکنون جز معدود کسانی یادی و نامی از ایشان دریادها نمانده است، برماست که یادشان را بر دل نهیم و نامشان را بر لب، حقا که شفیعا و مرتضی قلی خان شاملو دست همت و پای زحمت پیش نهادند تا شاخ و برگ این درخت ببالد و بشکفد و بعد رندی پاک باخته آستین برمی فشاند و سماع در می گیرد که چنان کاخی بسازد که خاردنیا طلبان گردد و راه دنیا گریزان باشد، آری او درویش عبدالمجید شاعر طالقانی است که کلک بی همتایش زینت بخش جانها و دلها می گردد و نام بلندش بر تارک هنر می درخشد و پس از آن خارت گزیده ای که به کوی یار می رسد و غبار راهش را قوتیا می سازد و دست در حلقه آن زلف دوتا می زند گلستان را و سیاهی اکبر گلستانه است آخرین یادگار رنج و سختی و آشنای درد درویشی و عشق وی، آری او گل زینت بر حجله مشق شبانه بست و فخرایرانی را بر بام سماوات افکند تا جوهره مردان این دیار یادگار یادها باشد و زینت بخش جانها و دلها، به بجزار زاده شکسته نویسم پای در این راه پر مشقت نهادم چرا که حس نمودم خطوط دیگر با سبک معمولی سریش در مانا درد دل هجران زده نیست "شکستی باید همچون هجران یار تادرد دوچندان گردد و لذت بی پایان" خسی باشد هم ازدل و هم از زبان تا همدلی به همزبانی خوشتر آید.

از دوست به یادگار دردی دارم کان درد به صد هزار سال من نهم

خط شکسته نه شکستی است برواژه ها و حروف بلکه شکستی است بردنیای یکدخت و خالی از شور و عروجی و فتحی است بر تسخیر جانها و دلها، هنر شکسته نویسی با سبک ها و سنبل های خویش آسمانی است بی غروب در خم زلف نگارین این خط هزاران دل شیدا به سلسله کشیده شده و در فرود هر قامتش هزاران قیامت برپاست، تا نگردی آشنایین پرده رازی نشنوی، و من که به بودم باور دارم به مادر بودم به همسر بودم و به خطوط منحنی خط شکسته که من را تثبیت می کند و پدرم که برایم تماما "کود کیست، تماما" اسطوره است و کوهی استوار و دستان مادرم که می نگارد بارنگ و نقش و طرح تمام کود کیم را، نمی دانم این خط و نقش تابه کجا ادامه دار اما انتهایی اگر بتوان برایش گفت شاید تا روزی که مادری کودکش را دوست دارد.